



Study of Class Consciousness in Soleiman Eisa's Resistance poetry Using Goldmann's Theory

Rabi Amiri¹, Toraj zinivand*², Jahangir Amiri³

¹ PhD student in Arabic language and literature, Razi University, Kermanshah, Iran.

² *Associate Professor, Arabic language and literature group, Razi University, Kermanshah, Iran.

³ Associate Professor, Arabic language and literature group, Razi University, Kermanshah, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
18/07/2023
Accepted:
12/02/2024

The genetic structuralism critique is chiefly concerned with the meaningful relationship between the literature structure and the societal structure where the literary work is produced. As a famous theorist of this critical approach, Lucien Goldmann attributes a special place to the category of class consciousness and thus considers the collective consciousness of the social class as an inspiring source of literary work, while using it to describe the worldview of this class in his works. The contemporary Arabic poetry is sociologically valuable due to the effects of the political, social, economic and cultural events unfolding in Arab nations. This poetry describes the feelings, worldviews and collective consciousness of social participants in Arab nations. Syrian nationalist poet, Soleiman al-Eisa, has specifically attended to class consciousness in his resistance poems and greatly contributed to the national awakening of the Arab world, via his resistance themes. The present study used the descriptive-analytical method and Lucien Goldmann's genetic structuralism to investigate the way class consciousness is reflected in al-Eisa's poetry and describe the role of social class's worldviews in his poetry composition. Findings revealed that al-Eisa emphasizes in his resistance poems the culture of sacrifice, martyrdom, Jihad and fighting to reinforce Arabic national and anti-imperialist sentiments and increase the class consciousness of social players. He also plays a constructive role in changing the people's real knowledge into possible knowledge and deviating their view of their failing past towards an illuminating future full of positive changes.

Keywords: genetic structuralist criticism, class consciousness, Lucien Goldmann, Soleiman al-Eisa, Resistance poetry.

Cite this article: Amiri, Rabi., zinivand, Toraj., Amiri, Jahangir. (2024). *Study of Class Consciousness in Soleiman Eisa's Resistance poetry Using Goldmann's Theory.*, Vol. 16, New Series, No.55, Spring 2024: pages:86-104.

DOI: 10.30479/Im.2024.19047.3571



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

*Corresponding Author:)

Address: Department of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Bagh Abrisham, University Street, Razi University, Faculty of Literature and Humanities, 2nd floor

E-mail: T_zinivand56.razi.ac@yahoo.com



فصلنامه علمی لسان مبین

(پژوهش زبان و ادب عربی)

شاپای چاپی: ۸۰۲-۲۳۵۵

شاپای الکترونیکی: ۲۶۷۶-۳۵۱۶



واکاوی آگاهی طبقاتی در شعر پایداری سلیمان العیسی با تکیه بر نظریه گلدمن

ربیع امیری^۱، توج زینی‌وند^{۲*}، جهانگیر امیری^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^{۲*} استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۳ استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۲/۰۴/۲۷

پذیرش:

۱۴۰۲/۱۱/۲۳

نقد ساختارگرایی تکوینی ارتباط معنادار میان ساختار ادبی و ساختار جامعه‌ای را بررسی می‌کند که اثر ادبی در آن تولید می‌شود. لوسین گلدمن از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این گونه نقادی جایگاه ویژه‌ای برای مقوله آگاهی طبقاتی قائل است و آگاهی جمعی طبقه اجتماعی را منبع الهام اثر ادبی می‌داند و با استفاده از آن، جهان‌بینی این طبقه را در اثر خود بیان می‌کند. شعر عربی معاصر به خاطر اثرپذیری از اتفاقات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در کشورهای عربی رخ داد، از لحاظ جامعه‌شناختی دارای ارزش فراوانی است و توصیفی از احساسات، جهان‌بینی و آگاهی جمعی مشارکان اجتماعی کشورهای عربی است. سلیمان العیسی شاعر ملی‌گرای سوری در اشعار مقاومتش به مقوله آگاهی طبقاتی توجه ویژه‌ای داشته و با مضمون‌های مقاومتش در بیداری ملی جهان عرب نقش بسزایی داشته‌است. پژوهش حاضر می‌کوشد با شیوه توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر نظریه ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن به بررسی بازتاب آگاهی طبقاتی در شعر العیسی بپردازد و نقش جهان‌بینی طبقه اجتماعی که بدان وابسته بوده را در سرودن اشعارش بیان کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که العیسی در اشعار مقاومتش با تأکید بر فرهنگ اینتر، شهادت‌طلبی، جهاد و مبارزه و تقویت احساسات ملی‌گرایانه عربی و روحیه استکبارستیزی، آگاهی طبقاتی مشارکان اجتماعی در کشورهای عربی را پویا و سرزنده می‌کند و نقش سازنده‌ای در تغییر آگاهی واقعی آن‌ها به آگاهی ممکن ایفا می‌کند و نگاهشان را از گذشته پر از شکست به آینده‌ای روشن و پر از تغییرات مثبت سوق می‌دهد.

واژگان کلیدی: نقد ساختارگرایی تکوینی، آگاهی طبقاتی، لوسین گلدمن، سلیمان العیسی، شعر پایداری.

استناد: امیری، ربیع؛ زینی‌وند، توج؛ امیری، جهانگیر. (۱۴۰۳). *واکاوی آگاهی طبقاتی در شعر پایداری سلیمان العیسی با تکیه بر نظریه گلدمن*، سال شانزدهم، دوره جدید، شماره پنجاه و پنجم، بهار ۱۴۰۳: ۸۶-۱۰۴.

10.30479/lm.2024.19047.3571: DOI



حق مؤلف © نویسنندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. مقدمه

آثار ادبی بازتابی از وضعیت جامعه‌ای هستند که در آن تولید می‌شوند و ادیب به کمک اثر ادبی‌اش اندیشه‌ها و احساسات طیف وسیعی از جامعه و طبقه اجتماعی وابسته به آن را به شکلی ادبی انعکاس می‌دهد. پس «ویژگی اجتماعی بودن ناگزیر با ادبیات همراه است، همان‌طور که انسان را بر اساس فطرتش همراهی می‌کند» (سکاربیت، ۱۹۷۸: ۶۰). جامعه‌شناسی ادبی با بررسی ارتباط میان ادبیات و جامعه‌شناسی، تأثیر جامعه در خلق آثار ادبی را واکاوی می‌کند. نقد ساختارگرایی تکوینی به عنوان یکی از زیرشاخه‌های نقد جامعه‌شناسی ادبی ساختار معنادار اثر ادبی را تحلیل می‌کند و وجوه همگونی میان ساختار اثر ادبی و ساختار جامعه را بیان می‌کند. نظریه ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن الگوی مناسبی در زمینه نقد جامعه‌شناسی ادبی است که در دو بخش دریافت و تبیین تنظیم شده و هر کدام از آنها به بخش‌های فرعی‌تر تقسیم می‌شود.

مقوله آگاهی، از مفاهیم پرکاربرد در نظریه گلدمن است که با طبقه اجتماعی و جهان‌بینی ارتباط دارد. تعاریفی برای آگاهی ارائه شده است. «آگاهی هر تجربه حسی و عاطفی را شامل می‌شود و هر چیز عقلانی و غیرعقلانی و هر آنچه از احساس و عاطفه نشأت گیرد و هر چیزی که با خرد، حافظه و فراموشی ارتباط داشته باشد، آگاهی است» (حادی، ۲۰۰۴: ۳۳). پس آگاهی عصاره حافظه جمعی یک ملت یا طبقه اجتماعی است که در طول تاریخ شکل می‌گیرد. «آگاهی به عنوان یک صفت انسانی تجربه‌های گذشته و پیشین انسان، ادراک زمان حال و حاضر و آینده‌نگری او را در برمی‌گیرد» (غراوی، ۲۰۱۹: ۵۱). پس فرایندی زمانمند است که پیوسته در حال دگرذیسی است. «آگاهی، جنبش و حرکتی است که اتصال برقرار می‌کند میان آنچه بوده و آنچه قرار است بشود. میان حافظه و آگاهی ارتباط وجود دارد که از گذشته تا عصر حاضر امتداد می‌یابد و به آینده نظر دارد و حرکت می‌کند» (برجسون، ۲۰۰۹: ۱۰۵). پس بارزترین ویژگی آگاهی، پویایی و تغییر مداوم است. این آگاهی در تمام گونه‌های ادبی تبلور می‌یابد و بیانگر خرد جمعی طبقه اجتماعی است که در مراحل تاریخی برای تحقق اهدافش کوشیده است.

شعر به عنوان یکی از محبوب‌ترین و اثرگذارترین گونه‌های ادبی، قالب مناسبی برای طرح دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی و دینی است و تحلیل جامعه‌شناسانه اشعار شاعران عصر جدید نیز که به مضمون‌های اجتماعی بسیار توجه می‌کنند، می‌تواند دریچه‌ای به جهان‌بینی شاعر و طبقه اجتماعی منتسب به آن باز کند. شعر معاصر عربی به خاطر تحولات گسترده‌ای که طی قرن بیستم و بیست و یکم در جهان عرب رخ داد، دارای رویکردی متعهدانه است که در آن شاعران عرب به مضمون‌های اجتماعی، سیاسی، ملی‌گرایی، مقاومت، استکبارستیزی، آزادی و مبارزه با فساد و عدالت‌خواهی می‌پردازند. سلیمان العیسی، شاعر ملی‌گرای سوری از برجسته‌ترین شاعران معاصر عربی در زمینه مقاومت و میهن‌پرستی است که در بیشتر اشعارش ندای اتحاد جهان عرب را سر می‌دهد و بر ضرورت بیداری ملی و آگاهی جمعی تأکید

می‌کند. العیسی در اشعار حماسی خود درباره مقاومت الجزایر، یمن، عراق، فلسطین و سوریه بر آگاهی طبقاتی تأکید می‌کند و با تقویت روحیه پایداری در تمام جهان عرب، مبارزان انقلابی در تمام کشورهای عربی را برای مبارزه با جهان امپریالیسم و دست‌پرورده آن رژیم اشغالگر قدس برمی‌انگیخت. لذا با توجه به رویکرد پایداری اشعار العیسی و همچنین شکوفایی بیداری عربی-اسلامی در دو دهه اخیر و توسعه نفوذ محور مقاومت در منطقه، ضرورت بررسی جامعه‌شناسی اشعار العیسی دو چندان می‌شود و می‌توان از خلال بررسی جامعه‌شناسانه اشعار وی به شناختی نسبی از فرایند شکل‌گیری و رشد آگاهی طبقاتی در جهان عرب و به‌ویژه حوزه خاورمیانه دست یافت. بر این پایه، پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر نظریه لوسین گلدمن مقوله آگاهی طبقاتی را در اشعار مقاومت العیسی بررسی کرده و نقش او در ترویج آگاهی ملی و افکار پایداری در جهان عرب را بیان کند و برای این پرسش‌ها پاسخ مناسب بیاید:

آگاهی طبقاتی در اشعار العیسی چگونه و در قالب چه مضمون‌هایی بازتاب می‌یابد؟

آگاهی ممکن در اشعار العیسی چگونه شکل می‌گیرد و از چه مسیری عبور می‌کند؟

آگاهی کاذب در اشعار العیسی به چه شکلی نمود می‌یابد و چه تأثیری در تحقق آگاهی ممکن در کشورهای عربی دارد؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره اشعار العیسی پژوهش‌هایی انجام گرفته که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود؛ همتی و پورحشمی در مقاله «تقنية قناع الشخصيات التراثية وتوظيفه الدلالي في شعر سليمان العيسى» (۱۴۰۱)، به این نتیجه دست یافته‌اند که العیسی با نقاب شخصیت‌های دینی پایبندی خویش به ارزش‌های اسلامی را نشان داده و با نقاب شخصیت‌های تاریخی و سرنوشتشان پیروزی و شکست در مسیر زندگی را تداعی می‌کند. امیری و همکاران در مقاله «نشانه‌شناسی الفاظ حاوی مفهوم وطن در اشعار سلیمان العیسی بر اساس دیدگاه چارلز پیرس» (۱۴۰۰)، به این نتیجه دست یافته‌اند که وی با چینش صحیح دلالت‌های صریح در کنار هم و در درون بافت متن، دلالت‌های ضمنی مفهوم وطن را با زبانی خیال‌انگیز بیان کرده است. دهقان و بلاوی در مقاله «البنية السردية في قصيدة "الأطفال يحملون الرؤية" لسليمان العيسى» (۱۳۹۸)، به این نتیجه رسیده‌اند که شاعر به کمک موسیقی درونی اشعارش و تکرار کلمات با اصوات شدید فضای موسیقایی می‌آفریند که مخاطب را برای مبارزه برمی‌انگیزد. فرید در مقاله «فاعلية الرموز الطبيعية في شعر الأطفال لسليمان العيسى (ديوان "أراجيح تغني للأطفال" نموذجاً)» (۱۳۹۸)، این چنین استنباط کرده که بکارگیری رمزهای طبیعی در شعر العیسی نشأت گرفته از آرمان‌های والای او و برانگیختن حس مقاومت در کودکان است. دهقان و بلاوی در مقاله «المقاومة الفلسطينية في شعر الأطفال مقارنة الشخص و وظائفها في نصوص المقاومة للشاعر السوري سليمان العيسى» (۲۰۱۹)، این‌گونه استنباط کرده‌اند که العیسی به کمک بازخوانی شخصیت‌های

تاریخی عرب حس مقاومت را در کودکان تقویت می‌کند. پژوهش‌های پیشین، ساختار موسیقایی شعر العیسی و اشعار کودک او و مقاومت و نشانه‌شناسی مفاهیم مربوط به وطن بررسی کرده‌اند و برخی از آن‌ها روی یک فسیده و برخی حول محور مقاومت فلسطین و برخی نیز بر اشعار کودک او تمرکز کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد پژوهش حاضر نخستین پژوهشی است که به بررسی جامعه‌شناختی اشعار العیسی می‌پردازد و نگرش او نسبت به تحولات سیاسی، اجتماعی و تاریخی تمام جهان عرب از الجزایر و یمن گرفته تا عراق، سوریه و فلسطین را تحلیل می‌کند و فرایند شکل‌گیری آگاهی طبقاتی در اشعار او را نقد می‌کند. پس نوآوری این پژوهش در تأکید آن بر بُعد جامعه‌شناسی اشعار العیسی و تمرکز بر نظریه ساختارگرایی گلدمن و مقوله آگاهی طبقاتی است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. مفهوم آگاهی طبقاتی و اجزای سه‌گانه آن

ساختارگرایی تکوینی از زیرمجموعه‌های نقد جامعه‌شناسی ادبی است که آمیزه‌ای از زبان‌شناسی نوین و نقد مارکسیستی است. لوسین گلدمن از نظریه‌پردازان مشهور این رویکرد نقدی است که با ارائه الگوی دو وجهی خود در دو بخش دریافت و تبیین، ابزار مناسبی در اختیار پژوهشگران ادبیات قرار داد. گلدمن اثر ادبی را توصیفی از شرایط زندگی طبقه یا طبقاتی از جامعه می‌خواند. از دیدگاه او «آفرینندگان راستین آثار فرهنگی، گروه‌های اجتماعی نه اشخاص منفرد هستند» (گلدمن، ۱۳۸۱: ۱۳؛ نک: عبدی، ۱۳۹۱: ۲۰۹). یعنی اثر ادبی تنها احساسات شخصی نویسنده را بیان نمی‌کند. بر این پایه، «هر اثر هنری معتبر، بیانی است از یک نگاه جمعی متحد که خود نویسنده هم بخشی از آن است» (راو‌داد، ۱۳۹۴: ۹۸). پس خالق اثر به عنوان عضوی از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، اندیشه‌ها، احساسات و آرمان‌های افراد آن را با آفرینش اثر ادبی‌اش تشریح می‌کند. یکی از موضوعات مهم در نظریه گلدمن، آگاهی طبقاتی است که در سه بخش آگاهی واقعی، آگاهی ممکن و آگاهی کاذب دسته‌بندی می‌شود. آگاهی طبقاتی با جهان‌بینی ارتباط قوی دارد و می‌توان گفت جهان‌بینی از آن سرچشمه می‌گیرد. «جهان‌بینی، هنر و اندیشه گروه اجتماعی را شکل می‌بخشد و آگاهی جمعی فرآورده آن است» (ایگلتون، ۱۳۸۱: ۱۷۶). این آگاهی جمعی زمانی می‌تواند شکل بگیرد که فاعلان فردی تبدیل به فاعلان فرافردی شوند. پس «تا زمانی که طبقات در برخوردهای سیاسی به عنوان گروه‌هایی متشکل شرکت نکنند، طبقه‌ای را تشکیل نمی‌دهند؛ گروه‌های متشکل نیز تا زمانی که خود افراد از موقعیت مشترک خویش آگاه نگردند، ایجاد نخواهند شد» (کوهن، ۱۳۸۵: ۹۴). وضعیت اقتصادی مشارکان اجتماعی در شکل‌گیری جهان‌بینی و آگاهی طبقاتی آن‌ها نقش مهمی دارد. «اساس اقتصادی و هستی و موجودیت اجتماعی ناشی از وجود اجتماعی فاعلان فرافردی است که آگاهی طبقاتی را به‌طور خاص و آگاهی انسان را به‌طور کلی تعیین می‌کند» (کرومبتون، ۲۰۱۶: ۸۲). پس تشکیل

طبقه اجتماعی و جهان‌بینی خاص آن در گروه‌های اندیشی مشارکان اجتماعی است که در این راه ممکن است با موانع بسیاری مواجه شوند، زیرا در جامعه‌ای که طبقات اجتماعی متعددی وجود داشته باشد، تعارض منافع میان این طبقات به وجود می‌آید و طبقات فرادست با اعمال قدرت طبقات دیگر را در جهت منافع خود به استثمار می‌کشند. در نتیجه بسته به شرایط سیاسی، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، آگاهی طبقاتی می‌تواند در تغییر ساختار جامعه در آینده نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد و در مسیر تحقق آگاهی ممکن طبقه اجتماعی عوامل داخلی و خارجی در قالب آگاهی کاذب موانعی ایجاد کنند. این آگاهی طبقاتی در اشعار العیسی در سه مرحله آگاهی واقعی، آگاهی ممکن و آگاهی کاذب بازتاب می‌یابد.

۲-۲. بررسی بازتاب آگاهی طبقاتی در شعر العیسی بر پایه نظریه گلدمن

پس از پیروزی انقلاب الجزایر و مقابله اعراب با اسرائیل، احساسات ملی‌گرایی در میان اعراب پررنگ شد و در شعر شاعران نیز بازتاب وسیعی یافت. العیسی که در بسیاری از کشورهای عرب از جمله الجزایر، لیبی، یمن، فلسطین و عراق، لبنان حضور داشته و از نزدیک شاهد مقاومت مردمی در آن‌ها بوده است، در اشعارش به مقوله آگاهی طبقاتی توجه ویژه‌ای داشته و با سرودن اشعار حماسی روح مقاومت و استبداد ستیزی را در کالبد مبارزان آزادی‌خواه دمیده است تا برای رهایی کشورشان از چنگال استعمار بپاخیزند. لذا این آگاهی در مراحل به اوج رسیده و در برهه‌هایی از زمان تضعیف شده و در سه مرحله آگاهی واقعی، آگاهی ممکن و آگاهی کاذب در اشعار العیسی بازتاب یافته است.

۲-۲-۱. آگاهی واقعی

هر طبقه اجتماعی یا هر گرایش فکری دارای سطحی از آگاهی است که نتیجه مشاهدات او نسبت به جهان محسوس اطرافش است، این آگاهی را که در محدوده زمانی گذشته تا حال سیر می‌کند، آگاهی واقعی می‌نامند. «آگاهی واقع‌بینانه شخص در زمان حال و لحظه‌ای و بالقوه است و ممکن است شخص از مشکلاتی که تجربه می‌کند، آگاه شود، اما راه‌حلی در مواجهه با آن‌ها و برای غلبه بر آن‌ها نداشته باشد» (عبدالعظیم، ۱۹۹۸: ۵۴). این آگاهی، شناخت فرد نسبت به شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی محیطی است که در آن زندگی می‌کند و آن نگرشی پس‌نگرانه است، بیش از آنکه آینده‌نگر باشد. بر این پایه «میان آگاهی واقعی (آنچه که هست) و آگاهی ممکن (آنچه که باید باشد) تفاوت وجود دارد» (گلدمن، ۱۳۸۲: ۳۹). یعنی افراد جامعه شرایط را همان‌گونه که هست می‌پذیرند و برای تغییر آن نمی‌کوشند.

۲-۲-۱-۱. ضعف حس میهن‌پرستی در برخی از کشورهای عربی

العیسی از وضعیت نابسامان جهان عرب ابراز نارضایتی می‌کند و در گفتگویی با جاحظ شخصیت تاریخی-ادبی جهان عرب یعنی جاحظ از اهمال و بی‌توجهی برخی از سران کشورهای عربی در قبال تجاوز دشمن گلایه می‌کند: «الْجَاحِظُ: مُفْزِعٌ مَا تَقُولُ ... كَيْفَ سَكْتُمْ؟ / الشَّاعِرُ: مَا سَكْتَنَا ... / الْجَاحِظُ: أَتَرْهَبُونَ الْلِقَاءَ؟ / الشَّاعِرُ: بَعْضُنَا أَثَرُ السَّلَامَةِ وَالصَّمْتِ. / الْجَاحِظُ: وَبَعْضُ؟ / الشَّاعِرُ: تَكَلَّمُوا شَهَادَةً» (العیسی، ۱۹۹۵، ج ۳: ۶۰).

این انفعال، بیانگر آگاهی کنونی است که ریشه در نگاه پس‌گرایانه، ضعیف بودن میهن‌پرستی، منفعت‌طلبی و ترس عده‌ای است که امیدی به تغییر اوضاع ندارند. آن‌ها شرایط بد زندگی‌شان را به خوبی درک می‌کنند، ولی آگاهی‌شان در همین حد می‌ماند و منجر به تلاشی پایدار برای بهبود اوضاع نمی‌شود و هیچ‌کدام از آن‌ها برای غلبه بر وضعیت نابسامان کشورشان راه‌حلی ندارند.

۲-۲-۱-۲. سازش اعراب با اجانب و استعمارگران

العیسی تمام جهان عرب را وطن خود می‌داند و مهم‌ترین عامل به ثمر نشستن آگاهی طبقاتی در جهان عرب را عدم اتحاد میان تمام اعراب می‌داند. از دیدگاه او سکوت کشورهای عرب در قبال جنایت‌های استعمارگران نسبت به کشورهای اشغالی و مستعمره همچون الجزایر و فلسطین، منجر به سیه‌روزی جهان عرب می‌شود: «إِلَى مَ يَظَلُّ نَصْلُ الْخَنْجَرِ الْمَسْمُومِ فِي الْقَلْبِ؟ / وَهَذَا الْعَالَمُ الْعَرَبِيُّ، هَذَا الْقَبْرُ / يَمْضِغُ مَوْتَهُ مُتَفَرِّجًا، وَاللَّيْلُ فِي الدَّرَبِ» (همان، ج ۴: ۱۷).

این انفعال عمومی و گسترده در جهان عرب توصیفی از واقعیت تلخ آن روزگاران کشورهای عربی است که با وجود شناخت دلایل عقب‌ماندگی و وضعیت ناگوار خویش، سکوت و سازش را بر مبارزه برای تحول ترجیح می‌دهند. اعراب به آنچه که در جهان عرب در حال رخ دادن است، آگاهند و به نوعی راضی‌اند و نمی‌کوشند تا کشورشان آن‌گونه باشد که شایسته و بایسته است.

۲-۲-۱-۳. از خودبیگانگی اعراب و تسلیم در برابر دشمنان

العیسی با انتقاد از سردرگمی و پریشانی برخی از کشورها و عاجز بودن آن‌ها در کنترل امور و ممانعت از نفوذ بیگانگان، نبوده اراده ملی و فراموشی تاریخ پر از افتخار را عامل این از خودبیگانگی و سرسپردگی اعراب می‌داند: «عَرَفْتُ دَرَبِي ... / لَا تَقُلْ مَا الْعَمَلُ؟ / أَنْعَصِرُ الْغَيْبِ سُوَالًا يَرُودُ؟ / يُمَزَّقُ الصَّمْتُ ... يَدُقُّ الْقَبُودُ / يُلْقِي عَلَيْنَا عَيْنَهُ: / مَا الطَّرِيقُ؟ / مَنْ نَحْنُ؟ / وَالْأَفُقُ ظَلَامٌ صَفِيقٌ ... / يَلْقَانَا ... يُنْذِرُنَا بِالْفَنَاءِ» (همان، ج ۲: ۱۹۶).

این آگاهی بالقوه حالت اولیه آگاهی اعراب است که دربرگیرنده نگاه پس‌نگرانه آن‌هاست که به خاطر تجارب تلخ گذشته، اعتماد به نفسشان را از دست داده‌اند و تسلیم شرایط کنونی شده‌اند. آن‌ها با

وجود آنکه راه مقابله با دشمنان و تغییر شرایط نامساعد کنونی را می‌دانند، ولی ناامیدانه و با حیرت دنبال راه چاره می‌گردند، یعنی برای آنکه وضعیت کشورشان آن‌گونه که باید باشد، تلاش نمی‌کنند و آگاهی طبقاتی‌شان، ایستا و منفعل است.

۲-۲-۱-۴. ترس اعراب از تکرار حوادث گذشته

العیسی معتقد است که گروهی با یادآوری شکست‌های گذشته اعراب هرگونه حرکتی در برابر ابرقدرت‌ها را محکوم به شکست می‌دانند و العیسی و هواداران مقاومت را متهم به رؤیاپردازی می‌کنند: «كُنْتَ تَحْلُمُ بِالْعَاصِفَةِ / بِعَطَشِ التَّارِيخِ ... / كَثِيرُونَ قَبْلَكَ / حَاوَلُوا أَنْ يُفَجِّرُوا الْعَاصِفَةَ / أَنْ يَسْقُوا التَّارِيخَ ... / تُمْ مَاذَا؟ / مَا تَأْتُوا عَطَاشًا...» (همان: ۳۶۶).

این آگاهی طبقاتی، محدود به گذشته و حال است و ناکامی‌های گذشته اعراب چنان در ذهن برخی از افراد رسوخ کرده که نسبت به اثرگذاری خود در تغییر شرایط کنونی تردید دارند و مصالحه با دشمن و زندگی آرام توأم با خواری را بر استقلال، آزادی و اقتدار ملی برتری می‌دهند و این آگاهی ذاتی‌شان در چارچوب ذهنشان باقی می‌ماند و منجر به قیام‌های مردمی و جنبش‌های ضد استعماری و در نتیجه بیرون راندن دشمن از کشورهایشان نمی‌شود. حرکت این آگاهی از حال به گذشته است و به سمت آینده حرکت نمی‌کند و مشارکان اجتماعی در کشورهای عربی ذهنشان بیشتر درگیر مشکلات اجتماعی و اقتصادی کنونی است و به جای اینکه با نگاهی به آینده برای غلبه بر مشکلات راهکاری ارائه دهند، منفعلانه، کاری انجام نمی‌دهند.

۲-۲-۱-۵. رویکرد منفعلانه و ختنی نسبت به تجاوز و نفوذ دشمن

العیسی با نكوهش رویکرد منفعلانه سران برخی از کشورهای عربی، مرگ با عزت و نشأت‌گرفته از آگاهی و بیداری را بر زندگی حقارت‌آمیز برتری می‌دهد و ختنایی و بی‌همتی را عامل سيطرة دشمن بر ملت عرب می‌داند: «يَلْتَفُّ عَلَى خَسْبِ التَّابُوتِ، عَلَى طَلْقِ النَّارِ الْإِخْوَةَ / رُقْفَاءُ النَّعْشِ فِدَائِيُونَ / لِمَ لَا يَخْتَارُ طَرِيقَ الْمَوْتِ / مَنْ يَمْضَعُ كُلَّ صَبَاحٍ لَوْنًا مِنَ أَلْوَانِ الْمَوْتِ؟» (همان: ۴۵۴).

مشارکان اجتماعی در کشورهای عربی از شرایط بد زندگی خود در زمان حال آگاهی دارند، ولی این آگاهی آمیخته با ترس، تردید و انفعال است و هیچ پیشنهاد، نقشه راه و برنامه‌ای برای تغییر این حالت نابسامان نمی‌دهد، زیرا از حالت تنوری به حالت عملی تغییر جهت نمی‌دهد. بنابراین، اعراب به این فکر نمی‌کنند تا آن‌گونه که دلشان می‌خواهد زندگی کنند و به پیشرفت برسند، بلکه شرایط را آن‌گونه که هست، می‌پذیرند و برای خود دورنمایی روشن تصور نمی‌کنند.

۲-۲-۲. آگاهی ممکن

آگاهی طبقاتی یک گروه زمانی که به بالاترین حد خود برسد، تبدیل به آگاهی ممکن می‌شود. «آگاهی ممکن، تحریک‌کننده اندیشه گروه است که آینده آن را ترسیم می‌کند و به آن تصویر و شکلی پویا در زمان حال و آینده می‌دهد» (لحمدانی، ۱۹۹۰: ۶۹). این آگاهی از گذشته و حرکت به عقب و قهقرا دوری می‌جوید و پیوسته در حال تغییر و حرکت به جلو است. البته «این تغییر در طبقه‌ای که در آن شکل می‌گیرد پویا و متحرک است و نگرش‌هایی را می‌آفریند که گروه اجتماعی برای دستیابی به آن‌ها می‌کوشد و آن منجر به شکل‌گیری آگاهی ممکن می‌شود که مرتبط با آن نگرش‌هاست» (ابوهیف و هویدی، ۲۰۰۹: ۱۸۰).

۲-۲-۲-۱. مقاومت، پویا و پیوسته در حال تغییر

العیسی نگرش مثبتی به آینده مقاومت دارد و معتقد است که مبارزان نسل‌های آینده میوه‌های درخت مقاومت هستند که نیاکانشان بذر آگاهی را در وجود آن‌ها کاشته‌اند: «وَالْمَدَى جَيْلٌ وَنَهَارٌ ... / لِكَيْ يَنْبُتَ يَا بَيْرُوثُ جَيْلٌ / مِنْ جُدُورِ الْقَحْطِ، مِنْ أَرْحَامِ هَذَا اللَّيْسِ الْبَاهِرِ، / يُرْوِي غُلَّةَ الصَّحْرَاءِ جَيْلٌ» (العیسی، ۱۹۹۵، ج ۴: ۱۹۹).

آگاهی طبقاتی در کشورهای عربی نو‌زا و در حال دگرذیسی است و ریشه در گذشته پر از مبارزات مردمی دارد و در زمان حال نیز با شدت بیشتری ادامه می‌یابد. این آگاهی که نتیجه خرد جمعی اعراب است در آینده نزدیک منجر به قطع شدن دست بیگانگان در امور داخلی کشورهای عربی می‌شود. پس حرکت این آگاهی از زمان حال به آینده و رو به جلو است و ملت عرب دیگر به عقب برنمی‌گردد و با عبرت گرفتن از گذشته، در زمان حال برای پیشرفت، استقلال و آزادی در آینده تلاش می‌کند.

۲-۲-۲-۲. مقاومت از نسلی به نسلی دیگر در حال انتقال

العیسی معتقد است که ملت عرب به آن حد از آگاهی جمعی رسیده است که مقاومت را نسل به نسل در خود ادامه می‌دهند و بزرگان درس آزادی، وطن‌دوستی، تعصب و سازش‌ناپذیری را به نسل‌های بعد می‌آموزند: «وَقُلْتُ: الْأَرْضُ هَذِي لِي / وَدُبْتُ بِلَحْمِهَا شَجْنَا / وَمِنْ جَيْلٍ إِلَى جَيْلٍ / نُذَكَّرُ مِنْ يَجِيءُ بِنَا» (همان: ۵۳-۵۴). این آگاهی پویا و سیال در روح و روان توده مردم نهادینه می‌شود و به شکلی خودکار تکرار می‌شود. پس مفهوم بیداری، تعقل و میهن‌پرستی در فاعلان فرافردی به‌روزرسانی می‌شود. این نگرش مثبت به آینده در میان مشارکان اجتماعی در کشورهای عربی حاصل تعامل و هم‌اندیشی جمعی آن‌هاست که هر نسلی با راهکارها، تلاش‌ها و آرمان‌خواهی‌های خود آگاهی طبقاتی را تقویت کرده و برخی از مؤلفه‌های آن را تغییر می‌دهند تا متناسب با عصر خویش حرکت کند و کارایی خود را از دست ندهد.

پس آگاهی طبقاتی در کشورهای عربی، پیوسته در حال حرکت است و گروه‌های مقاومت مثبت‌اندیشی و آینده‌نگری را به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهند.

۲-۲-۳. پیروزی مقاومت، در گرو امیدواری

العیسی باور دارد که از دل آگاهی جمعی موجود در کشورهای عربی، صفوف طولانی مبارزانی جوانه می‌زند که با قلبی آگاه در برابر دشمن ایستادگی کرده و از مرزهای میهن دفاع می‌کنند: «يَا فَارَسَ الرَّمْلِ الْخَضِيبِ تَمَزَّتْ / بِمِمي السَّلَاسِلُ فَالصَّرِيرُ غِنَاءُ / إِفْتَحِ جِرَاحَكَ يَتَغَمَّسُ فِي وَهَجِهَا / جِيلٌ، وَيَنْبُضُ فِي الصُّخُورِ إِبَاءُ / بَدَأَ الرَّبِيعُ يَدِبُّ فَوْقَ دَمَارِنَا / أَلَمْ يُجَدِّدْ أُمَّةً وَنَدَاءُ / أَتَمُوتُ؟ يَبْتُ أَلْفُ أَلْفٍ مُقَاتِلٍ / مِنْ دَفْقِ جَرِحِكَ، تُعْشِبُ الْبِيدَاءُ» (همان، ج ۲: ۵۰۳).

نگاه مثبت به آینده باعث می‌شود که اعراب دیگر فریب بیگانگان را نخورند و با حسرت و اندوه به گذشته ننگرند و آگاهی‌شان معطوف به شرایط کنونی نشود. این آگاهی طبقاتی در جهان عرب بدون ترس از تغییر، هر روز خود را از نو می‌سازد، بدون آنکه ماهیت اصلی خود یعنی مقاومت و استبداد ستیزی را از دست دهد و دچار فراموشی، از خودبیگانگی و رکود شود. پس این آگاهی با ظهور نسل‌های جدید و جوانان وطن‌پرست، پویا می‌شود و این تفکر را القا می‌کند که اعراب باید به شرایط کنونی قانع نباشند و وضعیت کشورشان را باید به گونه‌ای تغییر دهند که شایسته آن‌هاست. پس آگاهی طبقاتی آن‌ها محدود به چارچوب ذهنی‌شان نیست و دربرگیرنده جهان‌بینی طیف وسیعی از مشارکان اجتماعی است.

۲-۲-۴. ایثار و شهادت، راه تحقق آگاهی آرمانی

العیسی معتقد است که با هر قطره خون شهیدی، شعله قیام مردمی پایدار و فروزان‌تر می‌شود و به حرمت خون ریخته شهیدان، نسل‌های بعدی نیز آگاهانه در راه میهن جان‌فدایی می‌کنند: «يَقُولُ لِلْأَجِيَالِ: طَرِيقُنَا يُضَالُّ / إِنْ يَحْتَرِقِ جِيلٌ ... فَدَفْنَا بِجِيلٍ فِي لَهَبِ النَّوْرَةِ ...» (همان: ۲۰۰).

این حجم از آگاهی و میهن‌پرستی، مولود خرد جمعی طبقه آگاه از جامعه عرب است که با گذر از منفعت‌طلبی شخصی و با تقویت روحیه ملی‌گرایی عربی در خود، راه پیروزی را در مقاومت می‌بیند. این آگاهی در زمان حال نمی‌ایستد و محدود به واقعیت‌های ملموسی که در حال رخ دادن است نمی‌شود و مشارکان اجتماعی عرب دیگر شرایط فعلی را آن‌گونه که هست، نمی‌پذیرند و می‌خواهند وضعیت زندگی‌شان را به گونه‌ای تغییر دهند که می‌پسندند. پس پیوسته این آگاهی، ساختارش را به‌روزرسانی می‌کند و بیداری ملی در نسل‌های جوان مقاومت خود را بازتولید می‌کند.

۲-۲-۲-۵. شهید، الگوی بارز آگاهی ممکن

العیسی مجاهدت مبارزان در زمان حال را نتیجه عبور آن‌ها از آگاهی واقعی و کنونی و آینده‌نگری آن‌ها می‌داند که با مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی به نسل بعد از خود، ادامه راه انقلاب را قطعی می‌داند: «تَرَعْنَ فِي دَمِ الشُّهَدَاءِ ... أَوْرَقَ شُعْلَةَ لِلنَّاسِ / لِهَذَا الْعَصْرِ، لِلتَّارِيخِ، لِأَيَّتَيْنِ مِنْ بَوَابَةِ الْعَتَمَاتِ / تَعْلَمُهُمْ طَرِيقَ كِرَامَةِ الْإِنْسَانِ / وَكَيْفَ يُقَاتِلُ الْإِنْسَانُ» (همان، ج ۳: ۱۴۲).

پس فرهنگ شهادت و ایثار در کشورهای عربی، ناشی از دگرذیسی فرایند آگاهی طبقاتی در میان نسل‌های مختلف سنی است که با الگوگیری از منش شهیدان و مبارزان کنونی و آگاهی آن‌ها از وضعیت سیاسی، اجتماعی و عقیدتی عصرشان، مسیر آن‌ها را تا رسیدن به پیروزی نهایی ادامه می‌دهند و این همان ویژگی بارز آگاهی ممکن و سیالیت و حرکت آن از گذشته تا آینده است. پس خون شهیدان ضامن تداوم آگاهی طبقاتی در جوامع استکبارستیز عربی است که افقی روشن را برای مقاومت تصور می‌کند.

۲-۲-۲-۶. آینده‌نگری و تلاش برای غلبه بر موانع

العیسی اعراب را به فراموشی تلخی‌های حوادث ناگوار گذشته و جلوگیری از تکرار آن‌ها با نگاهی به آینده و متکی بر اراده ملی سفارش می‌کند تا تن به شکست ندهند: «الْفَتَى السَّاحِرُ ... مِنْ أَعْمَاقِ هَذَا الْوَطَنِ / مِنْ جُدُورِ الزَّمَنِ ... / يَحْمِلُ الْفَجْرَ عَلَى إصْبَعِهِ ... / يَحْمِلُ فَجْرَ الْيَمَنِ / صَانِعاً مِنْ كِبْوَةِ الْمَاضِي نَشِيدَ الْغُنْفُونِ» (همان، ج ۴: ۲۵۲).

این آگاهی ممکن تأکید می‌کند بر اینکه باید از گذشته و فجایعی که در تمام جهان عرب رخ داده، عبرت گرفت و در زمان گذشته، ایستا و ساکن نماند. همان‌گونه که مردم یمن با تکیه بر آگاهی طبقاتی خود از حوادث گذشته تلخ پند گرفته و روحیه خود را از دست ندادند و دیگر وضعیت کشورشان را آن‌گونه که است، نپذیرفتند، بلکه با عبور از فهم واقعی خود از شرایط کنونی با تکیه بر مشارکت همگانی، شرایط کنونی را تغییر دادند و کشور خود را آن‌گونه که شایسته عظمت و شکوهش است، اصلاح کردند.

۲-۲-۲-۷. امید به تغییرات مثبت در جامعه

العیسی بر این باور است که انسان آزادی‌خواه عرب هیچ‌گاه امیدش را از دست نمی‌دهد و آینده جدید و آرام را برای کشورش تصور می‌کند تا روحیه پایداری او در زمان حال کم و از بین نرود: «أَجْلِسُ فَوْقَ رُكَّامِ الْأَنْقَاصِ / أَتَسَوْفُ حَيْطاً أَيْضَ / حَيْطاً عَرَبِيّاً أَيْضَ / مِنْ أَعْمَاقِكِ يَا بَيْرُوتُ / آتِ آتِ مِنْ أَعْمَاقِكِ يَا بَيْرُوتُ / لِيَقُولَ بِلا كَلِمَاتٍ / زَمَنُ الْبَسْمَةِ وَالْحَبِّ وَشَلَالَاتِ الْخُضْرَةِ آتِ» (همان، ج ۴: ۸۰).

پس این آگاهی عربی، ایستا، منفعل و نگاهی حسرت‌بار به گذشته نیست، بلکه در زمان حال با تشکیل هسته‌های مقاومت و گروه‌های مبارز برای رسیدن به پیشرفت، آزادی، خودکفایی و صلابت ملت

در آینده تلاش می‌کند و نگاه آن رو به جلو است و به فقرا نمی‌رود و پیوسته در حال حرکت، به‌روزرسانی و خودسازی است. این آگاهی ناگهانی به وجود نیامده است و جهان‌بینی ملتی را تصور می‌کند که با عبور از منفعت‌طلبی شخصی و تفرقه و بی‌توجهی به سرنوشت وطن، برای تغییرات اساسی در ساختار کشور می‌کوشد.

۲-۲-۲. خودباوری و تکیه بر اراده ملی

از دیدگاه العیسی ملت عرب با پیشینه تاریخی و تمدنی نزدیک به پنج هزار سال ملتی بزرگ و آگاه است که می‌تواند با بیداری همگانی، دشمن متجاوز پایدار را از پای درآورد: «أَيُّهَا الْوَأْفِدُ الْعَرِيبُ / الَّذِي يُرِيدُ يُلْغِي السَّقْفَ وَالْبَيْتَ / بِقُبْنَلَةٍ شَرِسَةٍ ... / أَفْرِغْ مَا فِي جَعْبَتِكَ / لَا تَتَزَكَّ شَيْئاً ... / فَلَا بُدَّ أَنْ تَرَحَّلَ / وَيَبْقِيَ السَّقْفُ وَالْبَيْتُ / وَخَمْسَةَ آلَافِ السَّنَةِ» (همان: ۱۰۶).

آگاهی اعراب وقتی از حالت بالقوه به آگاهی ممکن تغییر حالت داد، به اوج رسید و در عصر حاضر منجر به انتفاضه‌های پی‌درپی و مبارزه شکوهمند مردم یمن، سوریه و عراق در برابر استکبار جهانی شد. این آگاهی دیگر تعلل، انفعال و نگاه کردن به شرایط کنونی و سکوت کردن را بر نمی‌تابد و فاعلان فرافردی آن فراتر از چارچوب زمان فعلی خود می‌نگرند و برای غلبه بر بی‌نظمی حاکم بر جهان عرب، برنامه و پیشنهاد دارند و اهدافی را همچون اتحاد، ظلم‌ناپذیری، استکبارستیزی و پیشرفت همه‌جانبه، برای خود در آینده تعیین کرده تا با همیاری به آن برسند.

۲-۲-۲. مبارزه مسلحانه و اقدام عملی برای تغییر

العیسی با انتقاد از مصالحه برخی از گروه‌های سیاسی با دشمن، راه پیروزی را مقاومت و مبارزه مسلحانه می‌داند. پس جهان عرب فریب رفتارهای متناقض و دوگانه جهان غرب را نخورد: «أَنَّ الْمَصْلُوبَ عَلَى الرَّمْلِ / لَا يَسْتَجِدِّي مِنْ قَاتِلِهِ بَرْدَ الظِّلِّ / وَطَرِيقُ الْحَقِّ طَرِيقُ الدَّمِّ / إِنْ شِئْنَا يَوْمًا أَنْ نَعْلَمَ / أَنْ نُبْصِرَ شَيْئاً، أَنْ نَفْهَمَ» (همان، ج ۲: ۴۵۴).

آگاهی طبقاتی اعراب برای اینکه ناکارآمد و ایستا نباشد، باید نسبت به همه مسائل حساسیت داشته باشد و از سیاست سکوت و سازش خارج شوند و از حالت خستی به حالت فعال و جنگ مسلحانه روی بیاورد. این آگاهی، دیگر به گذشته پر از درد، خواری، انفعال و بی‌انگیزگی نگاه نمی‌کند، بلکه آرمان بزرگ آزادی را در ذهنش ترسیم می‌کند و برای تحقق آن بی‌وقفه و بدون تعلل می‌جنگد. این آگاهی ملی عربی شرایط را آن‌گونه که هست بر نمی‌تابد و زیر پا می‌گذارد و وضعیت موجود را آن‌گونه که خود می‌خواهد، تغییر می‌دهد تا نشان دهد که او حاکم بر سرنوشت خود است.

۲-۲-۱۰. شهیدان، نماد وطن‌گرستی و بیداری ملی

العیسی با اشاره مقاومت خونین مبارزان شهر سَطِيف الجزایر و قتل عام مردمان آن توسط نیروهای فرانسوی، خون ریخته شهیدان در گذشته را عامل زایش و تجدید روحیه انقلابی و تقویت آگاهی طبقاتی می‌داند: «بِتْرَابِ «سَطِيفَ» مَعْجُونًا بِنَزْعِ الشُّهَدَاءِ / بِجَلَابِيبِ الدِّمَاءِ / صَبَّغَتْ يَوْمِي، وَأَمْسِي وَغَدِي / عَطْشًا يَصْرُخُ بِالثَّأْرَاتِ ... لا، لا، لا تَحْمِدِي!» (همان: ۶۵).

آگاهی در جهان عرب، در طول زمان، بدون از دست دادن ماهیت اصلی خود یعنی جهاد علیه استبداد و استکبار، شکل خود را بارها تغییر می‌دهد و از حالت بالقوه خارج می‌شود و با مبارزات رزمندگان و جان‌فشانی‌های میهن‌پرستان، شکلی بالفعل می‌یابد. این آگاهی که به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد با توجه به مقتضیات عصر و شرایط کشورهای عربی و سیاست‌های موزیانه غربی‌ها، برخی از مبانی خود را تغییر می‌دهد تا ناکارآمد و کهنه نشود و بتواند زمینه را برای ایجاد شرایط مناسب در آینده فراهم کند.

۲-۲-۳. آگاهی کاذب

هرچند آگاهی طبقاتی گاهی به هدف غایی خود دست می‌یابد و تبدیل به آگاهی ممکن می‌شود، ولی گاهی عواملی مانع از تحقق آگاهی ممکن می‌شوند که به آن آگاهی کاذب گفته می‌شود. «آگاهی کاذب نتیجه موانع بی‌شماری است که عوامل گوناگون واقعیت تجربی در سر راه تحقق آگاهی ممکن قرار می‌دهند و آن را به انحراف می‌کشند» (گلدمن، ۱۳۸۲: ۵۶؛ نک: اسدی مجره و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۹). آگاهی طبقاتی برای رسیدن به آگاهی ممکن راه پر مانعی در برابر خود دارد و عوامل خارجی و داخلی بسیاری تحت تأثیر منافع خاص خود، در مسیر تکامل آگاهی طبقاتی طبقه اجتماعی سنگ‌انداز می‌کنند و مانع از گسترش آگاهی جمعی می‌شوند.

۲-۲-۳-۱. تفرقه عامل تضعیف آگاهی ملی

العیسی موانع موجود بر سر راه تحقق آگاهی ممکن در کشورهای عربی را برمی‌شمارد و معتقد است که این موانع یا منشأ داخلی و یا منشأ خارجی دارند که بسته به شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای عربی قدرت و ممانعت آن‌ها از تحقق آگاهی ممکن شدت و ضعف دارد.

آرمان والای العیسی، اتحاد جهان عرب است، ولی موانعی بر سر راه آن است و کشورهای استعمارگر با کشتار مبارزان راه حقیقت مانع از تحقق آگاهی ممکن در کشورهای عربی می‌شوند: «وَالسَّرَابُ الرَّأْدُ / حُلْمُكَ الْأَكْبَرُ نَوَازٌ تَفْتَحُ / دُونَمَا أَوْرَادُ / حُلْمُكَ الْأَكْبَرُ مَصْلُوبٌ تَرْتَحُ / فِي يَدِي جَلَادُ» (العیسی، ۱۹۹۵، ج ۲: ۴۷۳).

این آگاهی همه جا را دربرگرفته است، ولی قدرت دشمن آنچنان است که نمی‌گذارد این موج مردمی به سرمنزل مقصود برسد؛ پس باوجود بالا رفتن سطح آگاهی عمومی در جوامع عربی، به علت نفوذ

گسترده ابرقدرت‌ها در این کشورها، آگاهی طبقاتی نمی‌تواند قدرت خود را بر مراکز قدرت اعمال کند و در رسیدن به هدفش تا اطلاع ثانوی ناکام می‌ماند. پس این آگاهی عربی نیازمند بازبینی در مبانی و سیاست‌های خود است.

۲-۲-۲. تضعیف هویت و بیداری ملی با جنگ روانی

این دشمن مکار، تنها از ابزار زور بهره نمی‌برد، بلکه افزون بر آن از تبلیغات منفی نیز استفاده می‌کند و با تحقیر حقیقت‌طلبان، روحیه آن‌ها را تضعیف می‌کند و از ادامه راه باز می‌دارد: «مِنْ نَسَمَةٍ يَحْمِلُهَا نَشِيدٌ / يُقَهِّقُهُ الْحَدِيدُ / يَضْحَكُ رَبُّ النَّارِ وَالْدَّمَارِ / يَسْحَرُ مِنْكُمْ أَيُّهَا الصِّغَارُ / سُنْبُلَةٌ خَضِرَاءُ فِي الرِّيَّاحِ / فِي عَاصِفٍ مُدْمِرٍ وَقَاحٍ / مَاذَا عَسَى يَصْنَعُ مَا تَدْعُونَهُ الْكِفَّاحُ؟» (همان: ۴۸۵-۴۸۶).

این آگاهی کاذب چنان نیرومند عمل می‌کند که فاعلان فرافردی در جوامع عربی با وجود شناخت قدرت دفاعی خود، احساس ضعف می‌کنند و خود را از غلبه بر این سد بزرگ ناتوان می‌دانند. پس دشمن از طریق جنگ نرم، آگاهی طبقاتی جوامع عربی را سرکوب می‌کند و تبدیل شدن آن به آگاهی ممکن را به تأخیر می‌اندازد. اما راهکار مقابله با آگاهی کاذب، دوری از یأس و انفعال و به‌روزرسانی چابک‌مبانی خود است، زیرا همان‌گونه که دشمن سیاست‌های خود را تغییر می‌دهد، اعراب نیز باید اندیشه‌های اصلاح‌جویانه و استکبارستیزانه خود را تغییر دهند تا دشمن برنامه‌های بعدی آن‌ها را پیش‌بینی کند.

۲-۲-۳. وابستگی به بیگانه، عامل تضعیف آرمان‌خواهی اعراب

ابرقدرت‌ها با ایجاد جنگ‌های داخلی در کشورهای عربی، رواج بی‌هویتی و از خود بیگانگی فرهنگی و زبانی و تبعید اعراب به اقصی نقاط جهان، برنامه‌های توسعه‌طلبانه خود را پیش می‌برند: «أَنَا إِنْسَانٌ عَرَبِيٌّ / رَأَى نَفْسَهُ يُقْتَلُ / مِنْ دَارِهِ، مِنْ تَحْتِ شَجَرَةِ الثُّوتِ فِي قَرِيْبَتِهِ، / يُحْرَمُ لُغْتَهُ وَتُرَاتُهُ، / وَأَرْضَهُ وَقَرِيْبَتَهُ فَجَاءَهُ وَيَلْقَى / بِهِ فِي الْغُرْبَةِ / طِفْلاً مُشْرِداً مُنْذُ / أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثِينَ عَاماً ... لِمَاذَا؟» (همان، ج ۳: ۱۷۱).

آگاهی کاذب، با دور کردن اعراب از فرهنگ عربی و اسلامی نفوذ خود در میان آن‌ها را افزایش می‌دهد و ضعف، رضایت از شرایط بد کنونی و سازش‌پذیری را در میان اعراب جایگزین آرمان‌خواهی و پیشرفت می‌کند. آگاهی ملی از مسیر خود منحرف شده و کشورهای عربی تبدیل به کشورهای ضعیف و وابسته می‌شوند و آگاهی ممکن مشارکان اجتماعی عرب محدود به ذهن آن‌ها می‌شود و حرکت رو به جلو آن برای مدتی می‌ایستد.

۲-۳-۴. نطفه آگاهی کاذب در خیانت و وطن‌فروشی

خائنان داخلی نیز بُعد دیگر آگاهی کاذب در جهان عرب هستند. العیسی با انتقاد از خیانت برخی از خود اعراب، آن را عامل سيطرة دشمن بر اعراب و چیرگی آگاهی کاذب بر آگاهی ممکن می‌داند: «أَحْسُ جَوَانِحَ الشُّهَدَاءِ ... / مَنْ ذُبِحُوا، وَمَنْ صَلِبُوا / وَصَرَخُ فِي دَمِي لَهَبٌ / وَتَسْرِي رِعْدَةٌ حَمْرَاءُ / يَهْرُ سَوَالَهَا جُدْرَانٌ هَذِي الْقَبَةِ الزَّرْقَاءُ: / إِلَى مَ تَبِيعُ أَخَوْتَنَا؟ / وَثَوْرَتَنَا ... / وَتُرْبَتَنَا ...» (همان، ج ۲: ۱۱۹).

این عهدشکنی و خیانت عوامل داخلی، موجب بدبینی و بی‌اعتمادی در مشارکان اجتماعی و مبارزان انقلابی در جوامع عربی می‌شود، در نتیجه روند پیشرفت و حرکت رو به جلوی آگاهی طبقاتی در این کشورها مختل و گاهی خنثی و خاموش می‌شود و وضعیت نامناسب سابق حکم‌فرما شده و حتی تقویت می‌شود. پس آگاهی ممکن در کشورهای عرب باید نخست برای از بین بردن موانع داخلی تلاش کنند و پس از خالص‌سازی و اتحاد باید راهکارهایی برای مقابله با نفوذ بیگانگان بیاباد.

۲-۳-۵. عدم اتحاد، مانع شکوفایی بیداری اسلامی-عربی

تفرقه و نبود نگرش مشترک میان اعراب یکی دیگر از عوامل داخلی در خدمت آگاهی کاذب است. العیسی با اشاره به تجربه تلخ اتحاد ناموفق مصر و سوریه و عدم اتحاد دیگر کشورهای عربی با آن و در نتیجه شکست آن‌ها مقابل اسرائیل، آن را عامل تضعیف بیداری عربی-اسلامی می‌داند: «وَتَوْلُدُ ذَاتَ يَوْمٍ تَجْرِبَةٌ ... وَتَخِيْبٌ / وَيَنْفَتِحُ جَرْحٌ عَمِيقٌ ... مَايَزَالُ يَنْزِفُ / نَعَمْ ... مَايَزَالُ يَنْزِفُ ... مَصَابِ وَنَكَبَاتٍ / وَتَحْمِلُ أُمَّتُنَا جَرْحَهَا الْعَمِيقَ ... تَحْمِلُ مَصَائِبَهَا» (همان، ج ۳: ۱۷۳).

آگاهی کاذب با سوءاستفاده از تفرقه اعراب، آن‌ها را از هدف والایشان یعنی اتحاد عمومی در جهان عرب دور می‌کند و باعث ایستا شدن آگاهی طبقاتی اعراب و محدود شدن به آگاهی کنونی می‌شود و از شکل‌گیری تحولات در آینده جلوگیری می‌کند. در چنین حالتی فاعلان فردی جوامع عربی به شرایط بد موجود آن‌گونه که هست رضایت می‌دهند و به علت ضعف خرد جمعی و نبود جهان‌بینی واحد و قوی، برای تغییر و شکل‌دهی شرایط آن‌گونه که خود می‌خواهند، تلاش نمی‌کنند و بی‌توجه به آینده نگاهشان را معطوف به زمان حال می‌کنند.

نتیجه

العیسی معتقد است که آگاهی طبقاتی اعراب در برهه‌های مختلف محدود به چارچوب ذهنی فاعلان فردی جوامع عربی بوده و در عصر حاضر نیز در برخی از کشورها این نگرش منفعلانه ادامه داشته و آگاهی طبقاتی فاعلان فرافردی معطوف به زمان گذشته و حال است و حالتی ایستا دارد و آن‌ها با وجود درک شرایط نامناسب کشورشان، راهکار و پیشنهادی برای غلبه بر این وضعیت و ایجاد ساختاری نوین ارائه نمی‌دهند و شرایط را

آن گونه که هست می پذیرند. نگاه پس نگرانه اعراب باعث می شود که آگاهی طبقاتی آن ها در حالت بالقوه، خشتی باقی بماند و منجر به تغییرات ریشه ای در جهان عرب نشود. موضوع اصلی آگاهی طبقاتی در اشعار العیسی اتحاد جهان عرب و اسلام است که در قالب مضمون های فرعی تر همچون ملی گرایی، استکبارستیزی، عدم سرسپردگی به غیر، اتحاد و بازگشت به خویشتن و نفی از خودبیگانگی جلوه می کند.

العیسی آگاهی طبقاتی اعراب را نتیجه اتحاد و همدلی آن ها می داند که با کنار گذاشتن اختلافات به خردی جمعی رسیده و حضور بیگانگان را در سرزمین خود تحمل نکردند و برای بیرون راندن دشمنان قیام کردند و به مبارزه مسلحانه روی آوردند. مبارزان با هدف ایجاد تغییرات در ساختار حکومت و وضعیت نابسامان موجود در کشورهای عربی و از بین بردن دخالت استعمارگران و بیگانگان در امور داخلی کشور با شجاعت، عزم و اراده و دوری از ناامیدی به دشمنان حمله کردند. مشارکان اجتماعی در قیام های مردمی در کشورهای عربی با نگاهی مثبت به آینده و دوری از تفرقه و منفعت طلبی فردی و حزبی برای پیشرفت جامعه و برقراری دموکراسی تلاش کردند و به بالاترین سطح آگاهی طبقاتی رسیدند. این آگاهی پویا و در حال حرکت به جلو است و پیوسته ساختار خود را به روزرسانی می کند و بدون آنکه هدف و ماهیت اصلی خود یعنی مقاومت در برابر نیروهای متجاوز و استکبارستیزی و مبارزه با استبداد را فراموش کند، در چارچوب اندیشگانی خود و شیوه های مقابله با دشمنان تغییراتی ایجاد می کند.

هرچند در بسیاری از کشورهای عربی آگاهی ممکن به نتایج مهمی دست یافته و دست بیگانگان از دخالت در امور داخلی آن ها کوتاه شده است، ولی العیسی معتقد است که در برخی از کشورها خیانت برخی از افراد و گروه های منفعت طلب با خوش خدمتی به بیگانگان زمینه را برای نفوذ آن ها فراهم می کند و تفکر انتقادی و مبارزه جویی مشارکان اجتماعی را تضعیف می کنند. برخی از حکومت های دیکتاتوری سرکوب حرکت های آزادی خواهانه نیز با ایجاد وحشت سرکوب حرکت های آزادی خواهانه دموکراسی را در کشورهای عربی نقض می کنند و آگاهی طبقاتی مردم را محدود به چارچوب ذهنی آن ها می کنند. کشورهای غربی با استفاده از ابزار تبلیغاتی اعراب را از هویت اسلامی-عربی دور کرده در قالب آگاهی کاذب، سد راه تحقق آگاهی ممکن در این کشورها می شوند. آگاهی کاذب با دسیسه ها و برنامه های مختلف، مانع از تغییرات گسترده در این کشورها می شود، ولی با این وجود دورنمای مقاومت در جهان عرب روشن است.

منابع

منابع عربی

- أبو هیف، عبدالله، الهودی، المغیره. (۲۰۰۹م). «الوعي والوعي الممكن في رواية قلوب علی الأسلاک»؛ مجلة جامعة تشرين للبحوث والدراسات العلمية، المجلد ۳۱، العدد ۲، صص ۱۷۷-۱۹۰.

- برجسون، هنری. (۲۰۰۹م). *بحث في المعطيات المباشرة للوعي*؛ ترجمة الحسين الزاوي، بيروت: مركز الدراسات الوحدة العربية.
- حادی، أحلام. (۲۰۰۴م). *جماليات اللغة في القصة القصيرة*؛ الطبعة الأولى، الدار البيضاء، المركز الثقافي العربي.
- سكاريت، روبيرا. (۱۹۷۸م). *سوسولوجيا الأدب*؛ ترجمة و تمهيد: آمال انطوان عرموني، بيروت-باريس: عويدات.
- عبدالعظيم، صالح سليمان. (۱۹۹۸م). *سوسولوجيا الرواية السياسية*؛ الطبعة الأولى، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- العيسى، سليمان. (۱۹۹۵م). *الأعمال الشعرية*، ج ۴؛ الطبعة الأولى، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- الغراوى، حسام عيدان نعيم. (۲۰۱۹م). «فلسفة الوعي وقراءة النص الأدبي»؛ *مجلة بحوث الشرق الأوسط*، العدد الثاني والخمسون، صص ۴۷-۶۴.
- كرومبتون، روزماری. (۲۰۱۶م). *الطبقات و التراصف الطبقي*، ترجمة عثمان حداد و غسان رملوي، الدوحة: المركز العربي للأبحاث ودراسة السياسات.
- لحمداني، حميد. (۱۹۹۰م). *النقد الروائي والأيدولوجي*؛ الطبعة الأولى، بيروت: المركز الثقافي العربي، الدار البيضاء.

منابع فارسی

- اسدی مجره، صدیقه، میراحمدی، سید رضا، عسگری، صادق، رجبی، فرهاد. (۱۴۰۱ش). «خوانش سروده عذاب حلاج عبدالوهاب بیاتی در پرتو نظریه ساختارگرایی تکوینی گلدمن»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، شماره ۶۲، صص ۱۴۵-۱۶۶.
- ایگلتون، تری. (۱۳۸۱ش). *درآمدی بر ایدئولوژی*؛ ترجمه معصوم بیگی، تهران: آگه.
- راوودراد، اعظم. (۱۳۹۴ش). *نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عبدی، صلاح الدین. (۱۳۹۱ش). «رویکردی جامعه‌شناختی بر آثار «طاهر وطار» (مطالعه موردی رمان «الزلازل» بر اساس الگوی «لوسیان گلدمن»)؛ *لسان مبین*، سال سوم، شماره هفتم، صص ۲۰۷-۲۳۵.
- کوهن، آوین استانفورد. (۱۳۸۵ش). *تئوری‌های انقلاب*؛ ترجمه علیرضا طیب، چاپ پانزدهم، تهران: قومس.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۸۱ش). *جامعه، فرهنگ و ادبیات*؛ ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ سوم، تهران: چشمه.
- (۱۳۸۲). *نقد تکوینی*؛ ترجمه محمد غیائی، تهران: نگاه.

References

Arabic Sources:

- Abu Haif, Abdullah, Al-Hawidi, Al-Mughirat. (۲۰۰۹). **"Consciousness and Possible Consciousness in the Novel Qulub 'Ala Al-Aslaq"**; Tishreen University Journal for Research and Scientific Studies, Volume ۳۱, Number ۲, pp ۱۹۰-۱۷۷.
- Bergson, Henri. (۲۰۰۹). **Research into the Direct Data of Consciousness**; translated by Al-Hussein Al-Zawi, Beirut: Center for Arab Unity Studies.
- Hadi, Ahlam. (۲۰۰۴). **The Aesthetics of Language in the Short Story**; First edition, Al-Dar Al-Bayza: Arab Cultural Center.
- Scarpet, Robira. (۱۹۷۸). **Sociology of Literature**; translated and introduced by Amal Antoine Aramouni, Beirut-Paris: Oueidat.
- Abdul Azim, Saleh Suleiman. (۱۹۹۸). **Sociology of Political Novel**; First edition, Egyptian General Book Authority.
- Al-Eissi, Suleiman. (۱۹۹۵). **Poetic Works**; Vol. ۴, First edition, Beirut: Arab Institute for Studies and Publishing.
- Al-Ghrawi, Hussam Eidan Naeem. (۲۰۱۹). **"Philosophy of Consciousness and Literary Text Reading"**; Journal of Middle East Research, Number Fifty-Two, pp ۶۴-۴۷.
- Crombton, Rosemary. (۲۰۱۶). **Social Classes and Class Stratification**; translated by Othman Haddad and Ghassan Ramlawi, Al- Doha: Arab Center for Research and Policy Studies.
- Lahmadani, Hamid. (۱۹۹۰). **Novelistic and Ideological Criticism**; First edition, Beirut: Arab Cultural Center, Al-Dar Al-Bayza.

Persian Sources:

- Asadi Mojrah, Sediqah, Mirahmadi, Seyed Reza, Asgari, Sadeq, Rajabi, Farhad. (۲۰۲۲). **"Reading Abdulwahhab Bayati's Azab Halaaj Poem Using Lucien Goldmann's Genetic Structuralism Theory"**; Journal of the Iranian Association of Arabic Language and Literature, Number ۶۲, pp ۱۶۶-۱۴۵.
- Eagleton, Terry. (۲۰۰۲). **An Introduction to Ideology**; translated by Masoum Bigi, Tehran: Agah.

- Raudrad, Azam. (۲۰۱۵). **Sociological Theories of Art and Literature**; Third edition, Tehran: Tehran University Publications.
- Abdi, Salah al-Din. (۲۰۱۲). "A Sociological Approach to the Works of 'Tahir Watar' (A Case Study of the Novel 'Al-Zalazel' Based on the 'Lucien Goldmann' Model)"; Lisan Mubeen, Year ۳, Number ۷, pp ۲۳۵-۲۰۷.
- Cohen, Alvin Stanford. (۲۰۰۶). **Theories of Revolution**; translated by Alireza Tayeb, Fifteenth edition, Tehran: Gomes.
- Goldman, Lucien. (۲۰۰۲). **Society, Culture, and Literature**; translated by Mohammad Jafar Poyandeh, Third edition, Tehran: Cheshmeh.
- (2003). **Genetic Critique**; translated by Mohammad Ghiyasi, Tehran: Negah.

الوعي الطبقي في شعر المقاومة لسليمان العيسى في ضوء نظرية غولدمان (دراسة و تحليل)

ربيع اميري^١، تورج زيني وند^٢، جهانگير اميري^٣

^١ طالب الدكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، كرمانشاه، ايران.

^٢ أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، كرمانشاه، ايران.

^٣ أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، كرمانشاه، ايران.

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة: مقالة محكمة	يدرس نقد البنيوية التكوينية العلاقة ذات المعنى بين البنية الأدبية وبنية المجتمع الذي يتم فيه إنتاج العمل الأدبي. لوسيان غولدمان، أحد أبرز منظري هذا النوع من النقد، يعطي مكانة خاصة لفئة الوعي الطبقي ويعتبر الوعي الجمعي للطبقة الاجتماعية مصدر الإلهام للعمل الأدبي، ومن خلال استخدامه، يعبر عن رؤية العالم لهذه الفئة في عمله. يعتبر الشعر العربي المعاصر ذا قيمة كبيرة من الناحية الاجتماعية بسبب تأثيره على الأحداث السياسية والاجتماعية والاقتصادية والثقافية التي جرت في البلدان العربية، وهو وصف للعواطف ورؤية الوعي الجماعي للمشاركين الاجتماعيين في البلدان العربية. وقد أولى سليمان العيسى، وهو شاعر قومي سوري، اهتماما خاصا لفئة الوعي الطبقي في قصائده المقاومة، وكان له دور كبير في الصحو الوطنية للعالم العربي بموضوعات مقاومته. تحاول الدراسة الحالية التحقق من انعكاس الوعي الطبقي في شعر العيسى بالمنهج الوصفي التحليلي وبالاعتماد على نظرية لوسيان غولدمان في البنيوية التكوينية والتعبير عن دور رؤية العالم للطبقة الاجتماعية التي اعتمد عليها في تأليفه، قصائده. وتشير نتائج البحث إلى أن العيسى في قصائده المقاومة من خلال تأكيده على ثقافة التضحية والاستشهاد والجهاد والكفاح وتعزيز المشاعر القومية العربية والروح المناهضة للاستكبار، يجعل الوعي الطبقي لدى المشاركين الاجتماعيين في الدول العربية ديناميكيا، وحيوية. وله دور بناء في تغيير وعيهم الحقيقي إلى وعي ممكن، وينقل أنظارهم من الماضي المليء بالفشل إلى مستقبل مشرق مليء بالتغيرات الإيجابية.
تاريخ الوصول: ١٤٠٢/٠٤/٢٧	الكلمات المفتاحية: نقد البنيوية التكوينية، الوعي الطبقي، لوسيان غولدمان، سليمان العيسى، شعر المقاومة
تاريخ القبول: ١٤٠٢/١١/٢٣	

الاقتباس: اميري، ربيع؛ زيني وند، تورج؛ اميري، جهانگير (١٤٠٣). الوعي الطبقي في شعر المقاومة لسليمان العيسى في ضوء نظرية غولدمان (دراسة و تحليل). سال شانزدهم، دوره جديد، شماره. پنجاه و پنجم، بهار ١٤٠٣: ٨٦-١٠٥.



المعرف الرقمي: 10.30479/Im.2024.19047.3571
الناشر: جامعة الإمام الخميني (ره) الدولية. حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.